

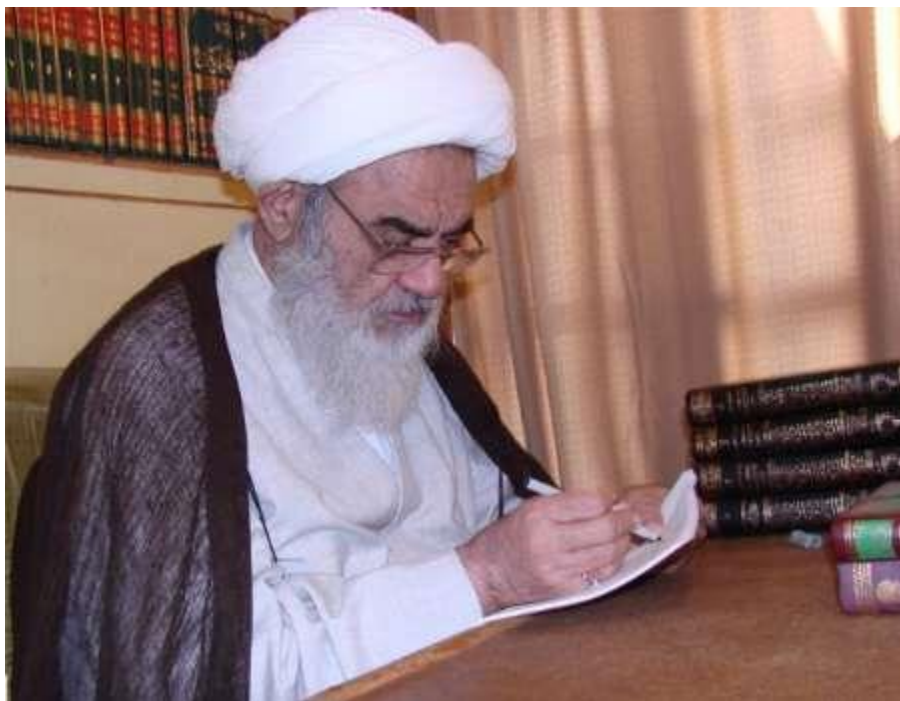
# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## درس اخلاق

موضوع: اخلاق از نظر قرآن و روایات

حضرت آیت الله مظاهری دامت برکاته

### جلسه نهم - کینه توزی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ أَشْرَفِ بَرِيَّتِهِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ سَيِّمًا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ

یکی از صفات رذیله که شهرت به سزایی هم دارد و فوق العاده خطرناک است، «کینه توزی» است. اینکه انسان در دل گله و کینه کسی را داشته باشد و در دل از او ناراحت باشد و بالاخره دل مکدر باشد به کینه دیگران، این اولاً گناهش خیلی بزرگ است. گناه به اندازه‌ای بزرگ است که در روایات می‌خوانیم اگر این کینه‌توزی صفت برای شخص باشد، یعنی آدم قهری و بدبین به دیگران باشد و کینه دیگران را در دل داشته باشد، اگر به این حال بمیرد، به صورت شتر وارد صف محشر می‌شود و برای این رذیله اگر خطری نباشد به جز این خطر، بس است که ما در صدد رفع این صفت رذیله باشیم و متأسفانه در خانه‌ها زیاد دیده می‌شود که بین زن و شوهر کینه هست یا بین اولاد و مادر و مخصوصاً عروس و مادرشوهر. اینکه طلاق در جامعه ما زیاد پیدا شده، از همین جا سرچشمه می‌گیرد. این کینه توزی‌هاست که منجر به طلاق می‌شود، یا طلاق می‌دهد یا طلاق می‌گیرد. این صفت رذیله از نظر تجسم عمل خیلی خطرناک است. این تجسم عمل یک مسئله مسلم در قرآن است. چندین آیه در قرآن داریم که بعضی از انسان‌ها نمی‌توانند به صورت انسان وارد صف محشر شوند. آن صفات رذیله آنها صورت‌بندی می‌کند و به آن صورت صفت رذیله وارد صف محشر می‌شوند. آدم‌های درنده به صورت سگ، آدم‌های کینه توز به صورت شتر، آدم‌های متکبر به صورت مورچه. در روایت می‌خوانیم مردم او را له می‌کنند. [۱] آدم‌های

شبهوت‌ران و بی‌عفت و بدحجاب و بی‌حجاب و لاابالی در عفت به صورت میمون می‌آیند و این مسلم در قرآن و روایات اهل بیت است.[۲۰]

مرحوم صدرالمتهلین در أسفار می‌فرماید تناسخ غلط است. اینکه قائل شویم که وقتی کسی مرد، روحش به بدن دیگری منتقل می‌شود. این غلط است و به قول صدرالمتهلین از فعلیت به قوه است و این محال است. اما صدرالمتهلین می‌فرماید ما از قرآن و روایت استفاده می‌کنیم که تناسخ دیگری هست و اینکه انسان در روز قیامت با آن صفات رذیله‌اش محشور می‌شود.[۲۱] بله اگر صفات رذیله نداشته باشد، با فضائلش محشور می‌شود. کسی که فضیلت دارد به صورت یک انسان است که در روایات آمده مثل ماه می‌درخشد و مردم را جذب به خود می‌کند. اما کسانی که صفات رذیله در آنها رسوخ کرده است، به همان صفت صورت‌بندی می‌شوند. به قول صدرالمتهلین در روایات می‌خوانیم بعضی‌ها وارد صف محشر می‌شوند که خیلی بدترکیب هستند و از هر سگ و روباهی بدترکیب‌تر هستند. درباره اینها روایات فراوانی است و قرآن آیات فراوانی در این باره دارد. این تجسم عمل به معنای دقیقش است.

تجسم عملی دیگری هم از قرآن و روایات استفاده می‌شود و آن اینست که اعمال ما به صورت متناسب در روز قیامت با ماست. اگر اعمال ما خوب باشد، سرافرازیم:

«فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ اِقرُّوا كِتَابِيَهٗ»[۲۲]

بیاید ببینید که اعمال من چقدر زیباست. هم خودش زیبا وارد محشر می‌شود و هم اعمالش. و اگر اعمال زشت داشته باشد، به صورت متناسب اطرافش را می‌گیرد. مثلاً خودش به صورت سگ است. به قول مثنوی که قضیه مفصلی دارد تا می‌رسد به اینجا که می‌گوید: این گفتارهای تو مار و عقرب می‌شود و گیرد دمت. این نیش‌های تو و این پرخاشگری‌های تو و این فحش و غیبت‌های تو و نمامی و سخن‌چینی‌های تو به صورت درنده اطراف تو را می‌گیرد.

این سخن‌های چو مار و کژدمت      مار و کژدم می‌شود گیرد دمت

لذا این کینه توزی از نظر تجسم عمل، انسان را به صورت شتر وارد صف محشر می‌کند. می‌گویند در میان حیوانات کینه توزی هست، اما کینه توزی شتر از همه بالاتر است. بعضی اوقت که ساربان یا شتر دیگری او را اذیت کند، یکی دو سال بعد تلافی می‌کند. و ما باید کینه توزی در دلمان نباشد. اگر دل ما کینه توز باشد، رحمت خدا نمی‌تواند در این دل وارد شود. قرآن در این باره می‌فرماید:

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاةً بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ[۲۳]

دل اگر پاک باشد و بی غلّ و غش باشد، دلی که در آن تکبر و کینه توزی نباشد و صفت رذیله در این دل رسوخ نکرده باشد، مانند زمین آباد است. زمین آباد برای مردم خیلی استفاده دارد. بعد قرآن می‌فرماید اما دل ناپاک مثل زمین شوره‌زار است و هیچ فایده ندارد و به غیر ضرر برای دیگران، چیزی ندارد.

روایتی برای جوان‌ها بخوانم که برای بحث خودسازی خیلی مهم است. پیغمبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» فرمودند قرآن نظیر باران است. باران گاهی بر یک زمین آبادی می‌بارد و معلوم است که عالی حاصل می‌دهد. گاهی می‌بارد بر یک زمین سفتی، اما آب را نگاه می‌دارد. این برای خودش مفید نیست اما برای دیگران مفید است. گاهی هم باران بر شوره

زار می بارد که نه برای خودش مفید است و نه برای دیگران، بلکه سیل زار و خانه خراب کن است. پیغمبر اکرم می فرماید قرآن چنین است. قرآن برای کسانی است که دل پاک دارند:

فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ، لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» [۶]

این قرآن برای این دل های پاک خیلی مفید است. این دل های پاک و مستعد را به مقام های بالا می رساند. می فرماید قرآن گاهی برای آدم های بی عمل، یعنی عالم بی عمل که برای دیگران خیلی مفید است، اما برای خودش هیچ نتیجه ندارد، اما قرآن برای دل های ناپاک و دلی که پر از تکبر باشد، هیچ فایده ندارد و لذا باران در شوره زار است که رد می شود و نه تنها نتیجه ندارد بلکه خرابی هم دارد.

من از همه و مخصوصاً جوان ها تقاضا دارم که تا می توانید خودسازی کنید. اگر دل ناپاک شد، انسان نمی تواند سالم از این دنیا برود:

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» [۷]

در روز قیامت هیچ چیز به درد نمی خورد به جز دل پاک. مال و جاه و حتی علم و امثال اینها فایده ندارد اگر دل ناپاک باشد. و اما اگر دل سلامت باشد، دلی که استعداد داشته باشد و رحمت خدا در این دل بتابد، دنیایش آباد و آخرتش آبادتر است و مورد رحمت خدا و شفاعت اهل بیت «سلام الله علیهم» واقع می شود. و این کینه توزی و قهر علاوه بر اینکه صفت رذیله است، گناهش به اندازه ای بزرگ است که می فرماید اگر دو نفر با هم قهر کردند، باید فوراً آشتی کنند و اگر کوچک تر بی ادبی کرد و آشتی نکرد و عذرخواهی نکرد، بزرگ تر باید فوراً عذرخواهی کند ولو اینکه تقصیر کوچک تر هم باشد. در روایت می خوانیم اگر این قهر سه روز ادامه پیدا کرد، اسم آنها از دفتر اسلام پاک می شود و اینها مسلمان نیستند و در عالم ملکوت به اینها مسلمان و مؤمن نمی گویند. [۸] این راجع به غریبه هاست و اما راجع به خودی ها، مثلاً اگر بین زن و شوهر کدورتی پیدا شد، باید فوراً آشتی کنند. در روایت می خوانیم اگر این زن و شوهر آشتی نکردند و خوابیدند، تا صبح ملائکه غضب به اینها لعن می کنند. در خانه ای که قهر بین زن و شوهر یا بین اولاد باشد، باید فوراً آشتی کنند و الا این خانه مورد رحمت الهی واقع نخواهد شد.

ما نباید اینها را ساده بگیریم، اینها روایت است، اینها یک واقعیت است، نباید در خانه ما قهر باشد، این قهر و کینه توزیست که کار را به طلاق یا بدتر از آن یک مرگ تدریجی می رساند. معلوم است که قهر زن و شوهر، زندگی نمی شود بلکه مردگی است و باید با هم بسازند تا بمیرند. این جهنم دنیاست و عمده هم جهنم آخرت است. اسلام اجازه نمی دهد که دو نفر با هم قهر باشند، مخصوصاً زن و شوهر و مخصوصاً قوم و خویش نظیر خواهر و برادر. اگر خواهر فرض هم بکند تقصیر برادر است اما حق قهر کردن ندارد. ولو اینکه تقصیر دارد اما تقصیرش حرف دیگری است و کیفرش را در دنیا و آخرت می بیند، اما وظیفه این خواهر یا برادر اینست که اگر او آشتی نمی کند، این باید زیر بار برود و آشتی کند؛ به خاطر اسلام و به خاطر زندگی خوش و خرم و به خاطر اولادش. تأمین آتیه برای اولاد همین سلامت نفس است. به تجربه اثبات شده افرادی که دل پاک هستند، عاقبت به خیر هستند. به تجربه اثبات شده کسانی که دل پاک هستند، تأمین آتیه برای اولادشان می شود. به تجربه اثبات شده که اینها دم مرگ می توانند با صحنه شیرینی از دنیا بروند. اما برعکس آن، به تجربه اثبات شده که آدم های قهری و کینه توز علاوه بر اینکه زندگی شان جهنم است؛ کسی که کینه در دل داشته باشد، نمی تواند خوش باشد و آن کینه برایش یک آتش است. علاوه بر این عاقبت به خیر نمی شود و علاوه بر این نمی تواند تأمین آتیه

برای اولادش کند. چه بسیار دیدم که آدم کینه توزی است و این سرایت می‌کند برای اولادش و اولادش بدبخت می‌شود.

قرآن می‌فرماید ای کسی که تأمین آتیه برای اولاد می‌خواهی، پس تقوا داشته باش. تقوای دل داشته باش، سلامت نفس داشته باش. آنگاه این تأمین آتیه برای اولاد می‌شود. اگر تأمین آتیه برای اولاد و عاقبت به خیری می‌خواهید، زیر بار بروید و نگذارید کینه در دل شما پیدا شود. بروید با آدمی که تقصیر هم دارد، آشتی کنید و اما عمده، کینه او در دل شما نباشد.

همه صفات رذیله همینطور هستند. رفع کردن صفات رذیله مشکل است و چهل سال خون جگر می‌خواهد تا انسان بتواند سلامت نفس پیدا کند و کینه دیگران در دلش نباشد، اما این چهل سال ارزش دارد. انسان چهل سال خون جگر بخورد تا یک سال کینه توز نباشد و سلامت نفس داشته باشد، با همان یک سال می‌تواند سعادت دنیا و آخرت پیدا کند و می‌تواند تأمین آتیه برای اولادش و عاقبت به خیری برای خودش پیدا کند و دم مرگ خدمت امیرالمؤمنین سرافراز باشد. ما باید روشمان مثل پیغمبر اکرم و ائمه طاهرين «سلام الله عليهم» باشد. حتی در روایات می‌خوانیم که امام صادق «سلام الله علیه» به یکی از اصحاب پول داده بودند که اگر نزاع یا مشاجره‌ای بین دو شیعه پیدا شد، پول بده تا این نزاع حل شود. لذا راوی می‌گوید من با برادرم بر سر ارث نزاعی داشتم و او ما را به خانه برد و با پول آشتی داد. بعد یک جمله گفت که والله این پول از امام صادق است و امام صادق فرمودند اگر بین دو شیعه در اثر پول نزاع شد، تو پول بده تا آشتی کنند و کینه آنها از دلشان برود. اینها سیره پیغمبر و ائمه طاهرين است و انسان نباید برای دیگران بد بخواند. باید حالی داشته باشد که برای دیگران خوش بخواند. وقتی کینه باشد، معمولاً چنین است که برای دیگران بد می‌خواهیم و از آنها متنفریم و اگر هم آدم بی ادبی باشد، شبانه روز نفرین می‌کند و نفرین‌ها به خودش می‌خورد.

و اما کسی که بد می‌کند معلوم است که خیلی گرفتار است، برای اینکه ظلم عاقبت ندارد. اگر برادری حق خواهرش را بخورد و مثلاً ارثش را ندهد، قطعاً ضررش را در همین دنیا خواهد دید، اما خواهرش حق قهر و کینه توزی ندارد.

قضیه شیرینی نقل می‌کنند و می‌گویند کاسبی، نزدیک در خانه حاکم مغازه داشت. این حاکم وقتی از خانه بیرون می‌آید یک روایت برایش می‌خواند که پیغمبر اکرم «صلی الله علیه و آله وسلم» فرموده: «أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ» [۹] تا می‌توانی خوبی کن به کسی که به تو بدی می‌کند؛ برای اینکه هم تو پاداش داری و هم او کیفرش را خواهد دید. نمی‌شود کسی ظلم به دیگری کند اما در این دنیا کیفرش را نبیند.

این روایت جاذبه خاصی بر این حاکم پیدا کرد و کم کم با این کاسب رفیق شد. هر روز کاسب در مقابلش این روایت را می‌خواند.

حسودان و اطرافیان حسادتشان گل کرد که این شخص چقدر در دستگاه این حاکم اجر و قرب دارد. خواستند او را از کار بیندازند، لذا او را مهمان کردند و در مهمانی به او سیر دادند و با این حال او را روانه پیش حاکم کردند. قبلاً به این حاکم گفته بودند که این آقا در کوچه می‌نشیند و می‌گوید این حاکم دهانش بوی بد می‌دهد. این آقا از همه جا بی خبر در مقابلش ایستاد و گفت: «أَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ»؛ تا می‌توانی به دیگران خوبی کن و بدکار به عمل خودش خواهد رسید. حاکم عصبانی گفت بیا جلو و این هم جلو رفت اما دستش را در مقابل دماغش گرفت. حاکم یقین کرد که این سر کوچه می‌نشیند و این حرف زشت را می‌زند. نامه‌ای نوشت و هر وقت می‌خواست جایزه بدهد به دست خودش نامه می‌نوشت. نامه نوشته که آورنده نامه را سر

ببر و پوستش را کاه کن و برای من بفرست. این بیچاره هم نامه را گرفت و بیرون آمد. آن نامم و سخن چین منتظر بود که چه شد. این گفت اتفاقاً امروز حاکم جایزه هم به من داد. گفت این جایزه را می‌شود به من بفروشی. بالاخره جایزه را مثلاً به هزار دینار از او خرید. کاسب با آن هزار دینار متمول شد و این آقا به طمع جایزه سلطان پیش جلاّد آمد و جلاّد گفت به من گفتند سرت را ببرم و پوستت را بکنم و کاه کنم. این سخن چین التماس و داد و فریاد کرد و گفت من این را خریدم. اما جلاّد قبول نکرد و گفت شاه گفته و بالاخره سر این بدبخت نامم و سخن چین را برید و پوستش را پر از کاه کرد و پوست را فرستاد.

فردای آن روز پوست این نامم و سخن چین با آن گفتار کاسب توأم شد. یعنی کاسب آمد و گفت آقا «أَحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ»؛ تا می‌توانی خوبی کن به کسی که به تو بدی می‌کند؛ برای اینکه بدکار به جزای خود خواهد رسید. حاکم در فکر رفت و گفت مگر نامه را نبردی؟ گفت: نه! من نامه را به این آقا فروختم. گفت: تو می‌گویی دهان من بوی بد می‌دهد. گفت نه این همه خدمت به من می‌کنی چطور می‌شود که من بی‌وفا باشم. پرسید: پس چرا دیروز دستت را در مقابل دماغت گرفتی؟ گفت مهمانی این آقا بودم و سیر به من داد و می‌خواستم شما اذیت نشوید و دستم را جلوی دماغم گرفتم. حاکم اشاره کرد به این مرده که پوستش پر از کاه بود و گفت: «أَحْسِنُ إِلَيْ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ؛ فَاِنَّ الْمَسِيءَ يَجْزِيهِ إِسَاءَتُهُ»؛ تا می‌توانی خوبی کن به کسی که به تو بدی می‌کند و بدان که بدکار به اعمال زشت خودش خواهد رسید. [۱۰]

الان نصیحتی که دارم همین است که کینه توز نباشید. حتی من نمی‌گویم که بخواهید کسی که به شما بدی می‌کند به کیفر خود برسد، بلکه بخواهید که خدا او را هدایت کند. مثلاً اگر زن، شوهر بد و بدزبانی دارد، نفرین نکند و حتی نخواهد که بد به او برسد تا اینکه پروردگار عالم به او ثواب دهد. در روایات داریم خانمی که بر اذیت شوهر بسازد یا شوهری که بر اذیت خانم بسازد، ثواب جبهه در پیش پیغمبر اکرم دارد. خیلی خوب است که یک خانم ثواب جبهه داشته باشد برای اینکه صبر کند بر اذیت شوهرش. یا اینکه آقا صبر کند بر اذیت خانمش و ثواب جبهه بگیرد. لذا اصلاً نخواهید که اعمال بدش دست و پاپیچش شود، بلکه دعا کنید که خدایا این بدی می‌کند، تو هدایتش کن. اگر خواهر و برادر یا دو مسلمان با هم بد هستند، آن ظالم به کیفرش می‌رسد اما این مظلوم نه نفرین کند و نه بخواهد که او به کیفرش برسد. همینطور که پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» را سنگ می‌زدند و پیغمبر می‌فرمودند:

اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ [۱۱]

خدایا اگر می‌خواهی دلم خوش شود، اینها را هدایت کن. اینها بد می‌کنند و به من سنگ می‌زنند و اگر می‌خواهی دلم خوش شود اینها را هدایت کن. شما هم اولاً نفرین نکنید و بعد هم کینه توزی نکنید و آنچه توقع از شیعه تابع امیرالمؤمنین علی «سلام الله علیه» هست، همین است که اگر کسی بدی کرد، کینه در دل نداشته باشید. حتی مواظب باشید که حرف پشت سر او نزنید. مواظب باشید تهمت و شایعه برایش درست نکنید و بالاخره مواظب باشید اصلاً قهر نباشید و مثل پیغمبر اکرم «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ» حساسی با او آشتی باشید. به جای نفرین دعا کنید که خدا هدایتش کند، آنگاه این راهش است که کینه رفع شود. یعنی علمای علم اخلاق می‌گویند با خوبی کردن به کسی که بدی کرده است، می‌توان کینه را رفع کرد. تا می‌توانید به او خوبی کنید، البته کینه نمی‌گذارد و مشکل است اما آن مشکل را بخرید و حتی اگر کسی پشت سرش غیبت کرد شما دفاع کنید و شما دعایش کنید و بالاخره ذره ذره این کینه را با خوبی کردن و دعا کردن رفع کنید. اولاً ثواب جبهه دارد و بعد هم توانستید این صفت رذیله را رفع کنید و بعد هم عاقبت به‌خیر می‌شوید و تأمین آتیه دارید و در قیامت هم ثواب بالایی دارد و

حشر با کسانی که کینه توز نبودند یعنی زیر لوای حمد بودن و از دست امیرالمؤمنین آب کوثر خوردن و با مؤمنین و چهارده معصوم به بهشت رفتن.

این بحث‌ها مشکل است، اما واجب و لازم است و از اوجب واجبات همین است و بدانید که رفع صفت رذیله مشکل است، بنابراین کوشا باشید تا رحمت خدا در دلهای شما بدمد و سعادت دنیا و آخرت پیدا کنید. ان شاء الله.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

پی نوشت ها:

- ۱- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۲۲۲.
  - ۲- دراسات فی الاخلاق، ج ۱، ص ۶۸ تا ۷۱.
  - ۳- الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة، ج ۹، ص ۲ تا ۶ و ۱۳ تا ۲۲
  - ۴- الحاقه، ۱۹: «گوید: بیاید و کتابم را بخوانید».
  - ۵- الاعراف، ۵۸: «و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید؛ و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده برنمی‌آید. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند، گونه‌گون بیان می‌کنیم.
  - ۶- الواقعة، ۷۸ و ۷۹: «در کتابی نهفته، که جز پاک‌شدگان بر آن دست نزنند
  - ۷- الشعراء، ۸۸ و ۸۹: «روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی‌دهد، مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد
  - ۸- الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵.
  - ۹- بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۷۱.
  - ۱۰- احیاء العلوم، ج ۹، ص ۱۳۱.
  - ۱۱- پیامبر اکرم «صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم» در مواضع مختلفی، این عبارت یا مشابه آن را به‌کار می‌بردند که: «خدایا قوم مرا هدایت کن، زیرا آنها نمی‌دانند چه کار بدی می‌کنند»؛ از جمله پس از آزارها و شکنجه‌های مشرکان در مکه (بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۴۱)، در جنگ احد (مناقب آل ابی‌طالب، ج ۱، ص ۱۹۲) در فتح مکه (الخراج و الجرائج، ج ۱، ص ۱۶۴) و...
- منبع: پایگاه اطلاع رسانی معظم له

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضوری حوزه های علمیه خاوران

<http://vufarhangi.whc.ir>